

حقیقت علمی و علم مداری قرآن و استنباط احکام موضوعات جدید

دکتر جلال ایرانمنش *

زیبا طهماسبی *

Email:

Email: z.th72@yahoo.com

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چکیده

گرایش مسلمانان به علم مداری و نهضت علمی از اولین کتاب آنان، یعنی قرآن کریم و از اولین مسلمان یعنی رسول گرامی اسلام (ص)، شروع شد.

این کتاب به نحو مستقیم و غیرمستقیم مسلمانان را به یادگیری علوم و فنون ترغیب می‌کند. قرآن، مهم‌ترین منبع استنباط احکام به شمار می‌رود و احکام موضوعات جدید، با بهره‌گیری از عمومات و اطلاعات آیات قابل استنباط است. استنباط صحیح موضوعات جدید از قرآن، در گرو امور ذیل است:

نگرش همه‌جانبه به موضوعات، ملاحظه شرایط زمان و مکان، تفکیک مسائل فردی از مسائل اجتماعی، تشیع کامل ادله و بالاخره کشف ملاکات احکام در خصوص موضوعات غیرعبادی

کلید واژه:

علم مداری، استنباط، موضوعات جدید، ملاکات احکام، زمان و مکان.

۱- مقدمه

خدای سبحان، قرآن کریم را کتاب مبین معرفی می‌کند. در بعضی از آیات، آن چه را که پیامبران آورده‌اند به عنوان کتاب منیر توصیف می‌نماید و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «هیچ تر و خشکی نیست مگر آن که در کتاب مبین آمده است» که مقصود از آن، علوم مختلف است. قرآن کریم برای هر موضوعی حتی موضوعات جدید حکمی دارد. لکن روش استنباط از قرآن در چنین موضوعاتی دشوار می‌نماید. در این مقاله به تبیین استنباط صحیح از قرآن در موضوعات جدید پرداخته است.

۲- جایگاه قرآن در استنباط

قرآن در میان منابع اسلامی نقش نخست را دارد. الفاظ و معانی قرآن وحی الهی است و مصون از تحریف بجا مانده است. در یک بررسی کوتاه می‌بینیم قرآن از چندین ابزار نوشتن سخن به میان می‌آورد که به منزله ایجاد حرکت علمی در میان مسلمانان است.

جهت تبیین لزوم توجه به قرآن در بیان احکام و معارف اسلامی توجه به نکات زیر ضروری است.

الف) خداوند قرآن را بیانگر همه چیز و هدایت‌گر بشر به سوی استوارترین طریق معرفی می‌کند، آنجا که می‌فرماید: «هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان» (بقره ۱۸۵) برای مردم هدایت و دلالت روشنی از راهنمایی و جداسازی حق از باطل است.

ب) پیامبر گرامی (ص) فراوان سفارش کرده‌اند که در مواجهه با فتنه‌های گمراه کننده به قرآن روی آورید. چنان که فرمود «إذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم بالقرآن» (۱) «وقتی فتنه‌ها چون پاره‌های شب تاریک راه خدا و راه نجات را بر شما مشتبه کردند بر شما باد به قرآن»

مسئله‌ای یکی از فتنه‌های حاضر، مشکلات فرهنگی و اقتصادی است که بسیاری از افراد جامعه را سرگرم ساخته است، لذا ضروری است با تمسک به احکام نورانی قرآن کریم، مردم را در این خصوص راهنمایی کرد.

ج) ائمه (ع) که مفسران قرآنند، به یاران خود می‌فرمودند که هر چه ما می‌گوییم از قرآن است و شما، می‌توانید درباره‌ی هر چه به شما می‌گوییم، دلیل آن را از قرآن بی‌سید.

امام باقر (ع) فرمود: «إذا حدثکم بشئ فاسألونی من کتاب الله» (۲)

بنابراین بسیاری از احکام که به ظاهر از آیات قرآن قابل استنباط نیستند با تأمل و دقت نظر، شناخته خواهند شد و این محققین هستند که باید همیشه در حال کندوکاو مسائل در قرآن بوده، تا چشمه‌های احکام و معارف حق از آیات جوشیده و به سوی نسل‌های تشنه‌ی هدایت قرآنی جاری شود. (۳)

۳- شرط استنباط صحیح از قرآن

در استنباط صحیح از آیات قرآن، امور مختلفی مدخلیت دارند که به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱- کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۹۸

۲- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۷

۳- انصاری، الرسائل، باب حجیت ظواهر قرآن، ص ۶۰

۱-۳- تگرش همه جانبه به موضوعات

پدیده‌ها را نباید به طور سطحی به قرآن عرضه کرد، بلکه باید همه جوانب و آثار و عواقب آن را در نظر گرفت. به طور مثال ممکن است کسی یا گروهی کالایی مهم و استراتژیک برای یک جامعه را به انحصار خود در آورند و بعد چون کسی با آن‌ها در بازار رقابت نمی‌کند و مردم نیز، شدیداً به آن کالا نیاز دارند، به بهایی دلخواه به مردم بفروشد. ممکن است گفته شود که کار این افراد، اشکال شرعی ندارد، چون اطلاق «احل الله البيع» (بقره ۲۷۵) آن را شامل می‌شود. اما باید متذکر شد که او فقط اطلاق آیه را در نظر گرفته و به این که او با عمل خود به مردم ظلم و اجحاف کرده بی‌توجه بوده است.

همین طور ممکن است عواقب یک مسئله در نوع حکم آن موثر باشد مثل روایتی که اطعام به یک مومن را بالاتر از آزاد کردن ده برده و انجام حج می‌دانند. چرا که طبق نظر امام (ع) اگر او اطعام نشود می‌میرد؛ یا خوار می‌شود و یا به دشمنان پناهنده می‌شود.

بنابراین برای این که، احکام مستنبط از قرآن، در مورد موضوعات جدید، هر چه بیشتر مطابق با واقع باشد، باید روی آن‌ها از جنبه‌های مختلف کارشناسی انجام گرفته و تمام جوانب آن بررسی گردد و آنگاه آن‌ها را با همه‌ی آثار و عواقب آن به قرآن عرضه کرده و حکم خدا را از آنها بدست آورد. (۱)

۲-۳- تفکیک مسائل فردی و اجتماعی

یکی دیگر از عواملی که در تغییر موضوع و در نتیجه حکم دخالت دارد و باید مورد توجه قرار گیرد این است که مسئله‌ای ممکن است در محدوده‌ی فردی حکمی داشته باشد و در محدوده‌ی جمعی حکمی دیگر پیدا کند. مثلاً داشتن مرکب از مستحبات است و امروزه ممکن است مصداق آن یک اتومبیل دارای ساخت و کار خوب باشد. اگر فرض کنیم همه افراد جامعه در تمکن مالی بوده و توان تهیه آن اتومبیل را داشته باشند، آیا باز هم برای همه افراد جامعه داشتن آن اتومبیل مستحب است؟ این در حالی است که اگر همه بخواهند یک اتومبیل داشته باشند با شرایط کنونی دهها مشکل مانند، ترافیک، آلودگی هوا و خارج شدن ارز و ذخایر کشور برای وارد کردن آن‌ها ایجاد می‌شود. در حالی که ممکن بود از آن سرمایه‌ها دز جهت بهسازی جامعه استفاده شده و مشکل حمل و نقل مردم هم به طریق دیگری حل گردد. لذا در بررسی پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی باید توجه داشت که چه بسا محور بسیاری از روایات، فرد باشد و آن هم فردی که در جامعه‌ای به مراتب ساده‌تر زندگی می‌کرده است. (۲)

۳-۳- ملاحظه شرایط زمان و مکان

تردید نیست که زمان و مکان در ایجاد تغییر و تحوّل در موضوعات احکام، تأثیر دارد و یکی از علل نسخ بعضی از شرایع و احکام می‌باشد. اصولاً نسخ چیزی جز به سر آمدن آمدن و زمان حکم نیست و آن نشانگر این معناست که آن حکم منسوخ تنها در آن محدوده زمانی مشخص، دارای مصلحت بوده است و از آن به بعد چه بسا مفیده داشته باشد لذا جای خود

را به حکمی دیگر داده است. این به آن معنا است که زمان، چیزی را که دارای مصلحت ملزمه بوده، تبدیل به چیزی کرده که دارای مفسده ملزمه است. به طور مثال ممکن است زمانی پوشیدن یک لباس اسراف محسوب گردد ولی در زمان دیگر اسراف نباشد. (۱)

۴-۳- تتبع کامل ادله

از آنجا که بسیاری از آیات قرآن در مقام بیان حکم خاصی از احکام موضوع است، نمی توان با دیدن دلیلی، فوراً آن را مطلق انگاشت، چرا که ممکن است بعضی از آیات صرفاً در جهت تشریح حکمی بوده و بیان جزئیات آن را به معصومین (ع) واگذار نموده باشد. یا در صد بیان حکم نسبت به جهتی معین از موضوع باشد. لذا سرایت آن به جهت یا جهات دیگر به دلیل اطلاق، خلاف روش عقلانی در بیان است. مانند آیه ای که در رابطه با حلیت صیدی سگ های معلّمه آمده است. از آنجا که مردم تصوّر می کردند، صیدی که سگ آن را گرفته به دلیل عدم رعایت شرایط شرعی در ذبح حرام می باشد، آیه شریفه در بیان رفع این شبهه دستور به خوردن می دهد. یعنی گوشت این نوع صید مینه محسوب نمی شود، تا خوردنش حرام باشد. حال اگر کسی بگوید به دلیل اطلاق آیه که بدون هیچ گونه قید و شرطی می گوید بخورید، لازم نیست موضعی از گوشت صید که با دهان سگ تماس داشته تطهیر شود قطعاً سخن نادرستی گفته است. زیرا آیه شریفه صرفاً در بیان حرمت و حلیت است نه در مقام بیان طهارت و نجاست، لذا از این آیه نمی توان حکمی را در مورد طهارت یا نجاست موضع تماس با سگ استنباط نمود و در این مورد باید به ادله دیگر رجوع کرد و ادله دیگر بیان می دارند که تطهیر لازم است. (۲)

۴-۳- کشف ملاکات احکام

نحوه استنباط از قرآن و حدیث در مورد مسائلی که با زندگی روزمره مردم تماس دارد با مسائلی مانند مسائل عبادی فرق دارد. در آن چه که مربوط به مسائل عبادی می شود، باید بر دلالت نص و ظاهر الفاظ تعبد ورزید زیرا ملاکات آن احکام، چیزهایی نیست که ما نتوانیم آنها را به دست آوریم. اما در مسائلی که در ارتباط با زندگی اجتماعی مردم است، ملاکات احکام، قابل دسترسی است و می توان بر پایه آن ملاکات، حکم را توسعه داده یا محدود کرد. مثلاً قرآن کریم در مورد فقهی می فرماید: «و ما آفاه الله علی رسوله من اهل القرى فله وللرسول ولذی القربى والیتامی والمساکین و ابن السبیل کما لایکون دوله بین الاغنیاء منکم» (حشر، آیه ۷). آنچه که خدا از اموال کافران قریه ها، به رسول خود غنیمت داد، آن متعلق به خدا و رسول و خویشاوندان رسول است و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان. این حکم برای آن است که غنائم دولت توانگران را نیفزاید. در این آیه کریمه، برای نحوه توزیع اموال فقهی، علت ذکر شده است و از این علت می توان استفاده کرد که اسلام، تداول اموال و سرمایه های جامعه را در دست عده ای خاص و معدود نمی پسندد، لذا هر گونه برنامه ای که به تداول سرمایه در دست عده ای بیانجامد و در نتیجه بیشتر افراد جامعه از آنها محروم بمانند از نظر قرآن کریم محکوم و مردود است. (۳)

۱- جناتی، محمدابراهیم، منابع اجتهاد، ص ۱۷۴

۲- انصاری، مرتضی، فرآیند الاصول، ج ۱، ص ۵۷۳

۳- صدر، دروس فی علم الاصول، ص ۳۰۵-۳۰۴

منابع و مأخذ :

- ۱- قرآن کریم
- ۲- انصاری، مرتضی، فرائد الاصول، ج ۱، ۱۳۶۸، قم، امام صادق (ع)
- ۳- انصاری، مرتضی، الرسائل، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵
- ۴- جناتی، محمدابراهیم، منابع اجتهاد، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱
- ۵- صدر، محمدحسن، دروس فی علم الاصول، نجف، دارالعلوم، ۱۳۹۷
- ۶- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول الکافی، بیروت، دارالتعماری، ۱۴۰۱
- ۷- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، دارالتعمان نجف، ۱۳۸۶



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

